

خویش مستجاب گردید،⁸ هر چند پسر بود، به مصیبت‌هایی که کشید، اطاعت را آموخت⁹ و کامل شده، جمع مطیعان خود را سبب نجات جاودانی گشت.¹⁰ و خدا او را به: رئیس کَهَنه مخاطب ساخت به رتبهٔ ملکی صِدق.

خطر دوری از خدا

¹¹ که دربارهٔ او ما را سخنان بسیار است، که شرح آنها مشکل می‌باشد چونکه گوشه‌ای شما سنگین شده است.¹² زیرا که هر چند با این طول زمان شما را می‌باید معلمان باشید، باز محتاجید که کسی اصول و مبادی الهامات خدا را به شما بیاموزد و محتاج شیر شدید نه غذای قوی.¹³ زیرا هر که شیرخواره باشد، در کلام عدالت ناآزموده است، چونکه طفل است.¹⁴ اما غذای قوی از آن بالغان است که حواس خود را به موجب عادت، ریاضت داده‌اند تا تمیز نیک و بد را بکنند.

¹ زیرا که هر رئیس کَهَنه از میان آدمیان گرفته شده، برای آدمیان مقرر می‌شود در امور الهی تا هدایا و قربانی‌ها برای گناهان بگذراند؛² که با جاهلان و گمراهان می‌تواند ملایمت کند، چونکه او نیز در کم زوری گرفته شده است.³ و به سبب این کم زوری، او را لازم است چنانکه برای قوم، همچنین برای خویشان نیز قربانی برای گناهان بگذراند.⁴ و کسی این مرتبه را برای خود نمی‌گیرد، مگر وقتی که خدا او را بخواند، چنانکه هارون را.⁵ و همچنین مسیح نیز خود را جلال نداد که رئیس کاهنه بشود، بلکه او که به وی گفت: تو پسر من هستی؛ من امروز تو را تولید نمودم.⁶ چنانکه در مقام دیگر نیز می‌گوید: تو تا به ابد کاهن هستی بر رتبه ملکی صِدق.⁷ و او در ایام بشریت خود، چونکه با فریاد شدید و اشکها نزد او که به رهانیدنش از موت قادر بود، تضرع و دعای بسیار کرد و به سبب تقوای